

## دیباچه‌ای بر سبک‌شناسی آثار و اندیشه‌های استاد جعفری لنگرودی حقوق‌دان و اسلام‌شناس

اقبال‌علی میرزائی<sup>۱</sup>

### طرح بحث و تقسیم مطالب:

نوشته حاضر مشتمل بر یک مقدمه و در دو بخش است: هدف از تدوین مقاله- چنان که از عنوان آن پیداست- آشنایی اجمالی با شخصیت علمی استاد جعفری لنگرودی است. به این منظور، ابتدا معرفی کوتاه این شخصیت و شرح مختصری از کار علمی ایشان می‌آید تا باب سخن در این باره باز شود و زمینه آن فراهم گردد. پس از این مقدمه کوتاه، در بخش نخست تلاش شده است با تأمل در آثار و اندیشه‌های استاد، پاره‌ای از نظریه‌های بنیادین و آرای منحصر به فرد استاد که مصداق بارز تولید علم محسوب می‌شود، شناسانده شود. این بخش، هسته اصلی نوشتار است. لیکن، در جهت تکمیل بحث و معرفی شایسته استاد جعفری لنگرودی، بخش دوم نیز به آن اضافه شده است و در آن، از یک مسئله و مشکل حقوقی یاد می‌شود که مدت‌ها در رویه قضائی ما به یک معمای پیچیده تبدیل شده و به صورت یک معضل حقوقی در آمده است. به تازگی، راقم این سطور با الهام از اندیشه‌های استاد برای حل آن مسئله تلاش کرده است. در بخش دوم، گزارشی کوتاه از این موضوع داده می‌شود.

کلیدواژه: جعفری لنگرودی، اسلام‌شناس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- معرفی تألیفات استاد و دشواری احاطه بر آن

امروزه کمتر کتابخانه حقوقی در کشور ما یافت می‌شود که در آن نسخه‌ای از دانشنامه حقوقی یا ترمینولوژی حقوق موجود نباشد. دشواری کار فرهنگ‌نویسی بر اهل فن پوشیده نیست. لازمه اصلی این کار، گذشته از اشراف و تسلط به نوشته‌های علمی، توانایی تلخیص و انتخاب مطالب نیز هست. البته، این مهم، به نیروی ذهن خلاق نیز باید آراسته شود. بی‌گمان دشواری کار تدوین دانشنامه کمتر از تألیف لغت‌نامه و فرهنگ‌نویسی نیست. زیرا در این کار، هم‌زمان باید دو مقوله و هدف اصلی برآورده شود: از سویی، حقیقت موضوع بیان و حق مطلب ادا شود و از سوی دیگر، مفاهیم به گونه‌ای ساده و در عین حال رسا برای همگان - اعم از خواص و عوام - تبیین شود. در میان رجال علمی کشور ما تنها نوابی مانند علامه دهخدا به این توفیق دست یافته‌اند و در علم حقوق، فضل تقدّم با استاد جعفری لنگرودی است.

افزون بر این، کثرت آثار و تألیفات استاد یکی دیگر از اوصاف بارز علمی ایشان است و همین امر احاطه به آثار و اندیشه‌های استاد را دشوار کرده است. برابر فهرست ارائه شده از سوی مؤسسه چاپ و انتشارات گنج دانش<sup>۱</sup>، شمارگان عناوین کتاب‌های تألیفی استاد، هفتادوشش عنوان اعلام شده است که با احتساب دوره‌های چند جلدی برخی کتاب‌ها مانند: مسوط در ترمینولوژی، الفارق و دانشنامه حقوقی، تعداد مجلدات آنها از یکصد بیشتر خواهد شد. به همین جهت، نویسنده این سطور ادعا ندارد که با تمام آثار استاد انس گرفته است بلکه فقط به مصداق بیت معروف که:

آب دریا را اگر نتوان کشید  
هم به قدر تشنگی باید چشید

به گوشه‌هایی از عقاید و آرای علمی استاد جعفری لنگرودی توجه داشته است و در حد توان و بضاعت خود گزارشی کوتاه از آن ارائه می‌دهد.

## ۲- سبک تألیفات، صفات علمی و اخلاق حرفه‌ای استاد

با بررسی اجمالی نوشته‌های استاد، نخستین نکته‌ای که نظر هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند، تفاوت در سبک و سیاق تدوین و تنظیم طرح و چارچوب کلی هر تحقیق (پلان) است. اگرچه هنوز بسیاری از نویسندگان بنا به سنت رایج اصرار دارند نوشته خود - اعم از کتاب و مقاله علمی - را در یک

۱. ر. ک: علم موضوع‌شناسی، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۷، فهرست تألیفات مؤلف [بخش ضمیمه]، ص ۱۶۸-۱۶۵.

قالب دوبخشی و متقارن طرح‌ریزی کنند و حتی تلاش می‌شود که حجم و کمیت مطالب دقیقاً متوازن از کار درآید. اما، استاد جعفری لنگرودی از این سنت بی‌اساس، فاصله گرفته‌اند و به همین سبب، در هر یک از نوشته‌های ایشان، به فراخور موضوع و طبیعت بحث، از طرح متناسب و شکل مناسب با محتوا استفاده شده است. چنان که برای مثال، برای بیان صدها نکته دلاویز و شورانگیز در علم حقوق، قالبی مناسب‌تر از آنچه در کتاب «صدمقاله در روش تحقیق علم حقوق» نمی‌توان یافت. هم‌چنین، کتاب فلسفه‌ی اعلی در علم حقوق در دو بخش اصلی و حول دو محور (وجود و ماهیت) تنظیم شده است. با وجود این، برخلاف روش رایج، بخش سومی با عنوان «روش تحقیق در ماهیات» به آن افزوده شده است و نیز، بنا به ضرورت بحث و تکمیل مطالب بخش‌های قبلی، رساله‌ای با عنوان تئوری احسان به سه بخش پیشین الحاق شده است.

به‌علاوه، برای شناخت و معرفی آثار استاد، توجه به این مهم ضروری است که برای دست‌یابی به نظر کامل و رأی استاد در یک موضوع، نباید به یک یا چند تألیف بسنده شود؛ چه بسا در موضوع واحد، به مناسبت بحث و به ضرورت کار، در دو یا چند جا از نوشته‌های استاد، مطالبی مرتبط آمده است. البته این امر به معنای پراکندگی و بی‌نظمی در بیان مطالب نیست. بلکه بدین معنا است که گاهی از یک موضوع بحث شده و نتیجه یا نظریه‌ای به مناسبت بحث ارائه شده است لیکن، در رساله‌ای دیگر از نگاهی متفاوت به همان موضوع نگریسته شده و یا جمع‌بندی و خلاصه‌ای گویا از همان مطلب بازنمایی شده است. از این رو، محقق با اشراف به همه مطالب مرتبط، منظور استاد را بهتر می‌شناسد و به حقیقت آن دست می‌یابد. برای مثال، اگرچه شرح نظریه موازنه در معاملات در کتاب «تئوری موازنه» به خوبی تدوین شده است اما، با مراجعه به مقالات مرتبط با این موضوع در کتاب صد مقاله در روش تحقیق حقایق جالب‌تر نمایان می‌شود که با زبانی دیگر بیان شده است. افزون بر این، در برخی نوشته‌های استاد با مثال‌های مکرر در تبیین مباحث روبه‌رو هستیم و استاد خود نیز با وقوف به این امر، همواره تأکید دارند که «تکرار مثال، تکرار ممتل نیست». گذشته از این نکته‌های شکلی، آشنایی با سبک علمی و اصول حرفه‌ای در آثار و اندیشه‌های استاد جعفری لنگرودی ما را به حقایق مهم رهنمون می‌شود. رعایت صداقت علمی و پرهیز از پنهان‌سازی حقیقت و یا بازگونه‌نمایی آن، یکی از مهم‌ترین خصوصیات استاد است. به سبب داشتن این روحیه علمی، بیان خاستگاه نظریه‌ها، منشأ اقتباس قوانین موضوعه و اشاره به تاریخچه هر موضوع، در تمامی نوشته‌های استاد مشهود است. نیز، ارجاع مستقیم یا غیرمستقیم به آثار و اندیشه‌های دیگران و رعایت امانت، همواره نصب‌العین این مؤلف بزرگ است. افزون بر این، استاد جعفری لنگرودی همواره تأکید دارند که هدف اصلی تحقیق و حاصل کار علمی نوآوری و ابداع

است و به همین جهت، ایشان از روش کار حاشیه‌نویسانی که التقاط و سخن‌ربایی پیشه کنند، انتقاد کرده‌اند.<sup>۱</sup> باوجود این، اصل احترام و تعهد به رعایت حرمت‌ها مانع از این شده است که استاد از طریق تحقیق خارج شوند. چنان که با وجود نقد نظریه‌های پیشینیان - که گاه عقاید و دلایل آنها را تکلف نامیده‌اند<sup>۲</sup> - از مدار اخلاق خارج نشده‌اند و در پاسخ انتقادهای معاصران، به استدلال روی آورده‌اند تا جدل و مناقشه. برای نمونه، ایراد شده است که شرح ماده به ماده قانون، شیوه مناسبی برای تألیف کتاب نیست.<sup>۳</sup> اما، استاد جعفری لنگرودی پاسخ داده‌اند: این شیوه کار سبب می‌شود مؤلف و شارح قانون مجال پیدا نکند که پاره‌ای مواد قانونی مشکل را بدون شرح و توضیح رها کند.<sup>۴</sup>

شاگردپروری یکی دیگر از مظاهر بارز اخلاق حرفه‌ای استاد جعفری لنگرودی است. راهنمایی دانشجویان و پژوهشگران جوان درباره این که کدام منبع علمی را بیشتر مطالعه کنند و یا در کدام مفاهیم غور و تحقیق کنند، در سراسر نوشته‌های استاد به چشم می‌خورد. گذشته از ارشاد و راهنمایی خوانندگان در پیشگفتار کتاب‌های متعدد، در خلال مباحث علمی نیز از این مهم غفلت نشده است. برای نمونه، با طرح نظریه «مبهمات حقوقی» در کتاب روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، اعلام شده است: مفاهیمی مانند نظم عمومی، عدالت، حقوق فطری، از مبهمات حقوقی هستند و استناد به آنها صحیح نیست. وظیفه پژوهشگران آینده رفع ابهام از آنها است.<sup>۵</sup>

پویایی اندیشه یکی از صفات برجسته علمی استاد جعفری لنگرودی است. تألیف دو کتاب «مقدمه عمومی علم حقوق» - که نخستین بار در سال ۱۳۴۲ منتشر شد - و «روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق» - که چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۷ منتشر شده - گواه این مدعا محسوب می‌شوند. آرای قدیم و جدید استاد به خوبی در این دو کتاب قابل مقایسه است. البته بنا به قاعده فقهی (الاجتهاد لاینقض بالاجتهاد)، بدون اینکه تهافت و اختلافی بین آرای سابق و لاحق استاد باشد، دو اثر یادشده نمودار دو رویکرد متفاوت در روش‌شناسی علم حقوق است. رویکرد نخست، توجه به اصول الفاظ و قواعد تفسیر حقوقی است اما، رویکرد جدید، تلاش دارد تا با نگاهی خارج از حوزه دانش حقوق، مطالعه بین‌رشته‌ای را توصیه و احیا کند.

۱. ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، ۱۳۸۲، ص ۴.

۲. برای نمونه ر.ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳ و بعد.

۳. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۶.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

۵. ص ۱۹۲-۱۹۱.

به همین قیاس، از مقایسهٔ دو اثر بزرگ و متفاوت استاد می‌توان به رمز و رازهای جدید در زندگی علمی ایشان نزدیک شد. دو فرهنگ حقوقی ترمینولوژی- اعم از مبسوط، الوسیط و مختصر آن- و الفارق، هر کدام به دوره‌ای جداگانه در زندگی علمی استاد تعلق دارد و به همین جهت، هر دو اثر مذکور کاملاً تشخص دارد و نمی‌توان یکی را تکرار دیگری دانست. باوجود این، ممکن است گمان رود که عقاید و آرای علمی استاد به مرور زمان تغییر یافته و به همین جهت دو اثر متفاوت در یک موضوع خلق شده است. استاد جعفری لنگرودی از این سوء ظن هراسی ندارد و بلکه به استقبال آن نیز رفته است. در صفحهٔ ۷ کتاب صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق در این باره می‌خوانیم: کار تحقیقات علمی هرگز به آخر نمی‌رسد؛ زمانه پیوسته در انتظار مردانی است شجاع و صاحب اندیشهٔ مستقل که حتی نگرانی از ارتکاب اشتباه مانع از ابتکار عمل آنان نمی‌شود.<sup>۱</sup>

باید افزود: استاد جعفری لنگرودی، از دستهٔ فیلسوفان حقوق به شمار می‌رود که با روش مخصوص خود یعنی صراحت بیان و شفافیت کلام، ریشه‌ها و مبانی بسیاری قواعد حقوق را دریافته و به دیگران شناسانده است. در بیان اهمیت این کار کافی است اشاره شود، عمدهٔ قوانین و قواعد حقوق مدنی، در سنت‌های تاریخی ریشه دارد و بدون شناخت منشأ و چگونگی پیدایش هر یک از آنها، دآوری و اظهارنظر ناتمام است. گفتنی است، تفاوت بین حقوق دان<sup>۲</sup> و شارح قانون در همین نکته نهفته است:

اولی به مبانی قاعدهٔ حقوقی دست یافته است و خود می‌تواند قاعده‌سازی کند و راهنمای قانون‌گذار باشد. ولی دومی، تنها به شرح متون قانونی مشغول است؛ چشم به دهان قانون‌گذار دوخته و به اصول لفظی قناعت می‌کند. با مطالعهٔ اجمالی کتاب «فلسفهٔ اعلی در علم حقوق» به روشنی می‌توان دریافت که استاد جعفری لنگرودی در شمار دستهٔ نخست و جزو فیلسوفان حقوق محسوب است. بحث از تبارشناسی قواعد حقوقی و نظریه پردازی دربارهٔ گذشته و آیندهٔ قواعد حقوق گواهی دیگر بر این مدعاست. نظریهٔ «تأثیر

۱. این اخلاق پسندیده در میان عالمان دین شایع‌تر است. از بین فقیهان بزرگ ابن ادریس شافعی (رئیس مذهب شافعی) به سبب داشتن اقوال و آرای متفاوت، مشهور است. فتوهای قدیم او در عراق و حجاز صادر شده و فتوهای جدیدش در مصر و به جهت آشنایی با دیدگاه‌های امام علی(ع) و برخی فقیهان سرشناس شکل گرفته است. براین اساس، ابن فقیه نام‌آور در رسالهٔ فقهی قدیم خود به نام (الحجه) تجدیدنظر کرده و کتاب (الام) را پدید آورده است. گویا همین وسعت دید و اشتغال نظر، موجب ماندگاری او شده است. امام احمد حنبل نیز چنین روشی داشته است و پیروان او این خصلت وی را به سبب تقوا دانسته‌اند (محمد عمر سماعی، نظریه الاحتیاط الفقهی، بیروت، ۱۴۲۸؛ نقل شده در: داریوش مرادی، مفهوم اصل احتیاط، و جایگاه آن در مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج، ۱۳۹۸، ص ۴۵ و بعد؛ نیز: سید محمد شیخ‌الاسلام، راهنمای مذهب شافعی، ج ۱، دانشگاه تهران، بی‌تا، مقدمه، ص ۶-۵).

۲. Jurisprudent

تاریخ در سیستم حقوقی» که به تازگی و در فصل پایانی کتاب «روش جدید در مقدمه علم حقوق»، شرح و تبیین شده دورنمای تحقیق در این حوزه را به خوبی ترسیم کرده است. به علاوه، در میدان عمل نیز استاد یگانه، پیشتاز بوده است: تدوین طرح پیشنهادی قانون مدنی به دو سبک کاملاً متفاوت سرآغاز راهی نو در کشف و استنباط قواعد حقوق مدنی است.<sup>۱</sup>

به هر حال، گذشته از این کلیات، لازم است پاره‌ای از آرای علمی استاد معرفی شود تا گوشه‌ای از جایگاه علمی ایشان در حقوق ایران و جهان نمایان شود.

## بخش اول: معرفی پاره‌ای از اندیشه‌ها و آثار منحصربه‌فرد استاد

### ۱- تعبدیات در حقوق و قانون

استقراع یا رجوع به قرعه یکی از مصادیق قواعد حقوقی است که به قول معروف عمل با چشم بسته محسوب است؛ این نوع تعبد در عرف رایج بوده و شارع نیز آن را امضا کرده است. مفاهیمی مانند: شخصیت حقوقی، مدت‌های مرور زمان، فروض قانونی و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مصادیق بارز تعبد در قوانین موضوعه به شمار می‌رود. به عقیده استاد دکترین نیز در برخی موارد بر مبنای تعبد نظر می‌دهد. از این رو، بر خلاف آنچه شایع و مشهور شده است، دانش حقوق صرفاً بر مبنای استدلال و اقناع استوار نیست و در بسیاری موارد، حکمرانی عقل محدود و پای استدلالیان چوبین می‌شود.<sup>۲</sup> این واقعیت را استاد جعفری لنگرودی در آثار متعدد خویش صادقانه بازگو کرده‌اند<sup>۳</sup> و افزون بر آن، وجود موضوعاتی از قبیل امور توقیفی را از توابع تعبدیات در دانش حقوق دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

### ۲- تئوری موازنه

نظریه عمومی موازنه یکی از ابداعات و اندیشه‌های بی‌بدیل استاد است که نه تنها در حوزه حقوق مدنی که در خارج از قلمروی حقوق خصوصی نیز قابل اعمال است.<sup>۵</sup> عقود معوض مکان مناسبی برای طرح

۱. صص ۳۴۴ تا ۳۵۲.

۲. در کنار طرح اصلاحی قانون مدنی که گاهی به عنوان ضمیمه کتاب محشای قانون مدنی چاپ شده است، استاد با تألیف کتاب «المدونه» در تدوین قانون مدنی ایران طرحی نو در انداخته است که جز با تأمل بنیادین، تفاوت این دو اثر را نمی‌توان دریافت. طرح کتاب اخیر بر مبنای طبایع و ماهیات حقوقی قرار گرفته است (المدونه، ص ۲۳۱) و چنین طرحی پیش از تألیف کتابهای مذکور در اندیشه‌های حقوقی سابقه نداشته است.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، روش جدید در مقدمه علم حقوق، ۱۳۸۷ صص ۲۵۶-۲۵۴.

۴. ر. ک: الفارق، ج ۱ و ۵، عناوین ارش و مضاربه.

۵. همو، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷.

۶. چنان که اصل کامله‌الوداد در حقوق بین‌الملل بر این پایه استوار شده و دخل و خرج دولت در حقوق عمومی با آن قابل توجیه است.

این اندیشه است و به یاری این نظریه عام، قواعد مهمی مانند: ضمان معاوضی و خيار تدلیس و غبن در حقوق معاملات فابل توجیه است. بنا بر آنچه استاد در معرفی این نظریه آورده است: با طرح تئوری موازنه گامی تازه در تجزیه و تحلیل تراضی و تبیین نقش آن در انعقاد و اعتبار قرارداد برداشته شده است. چنان که باید گفت با پردازش این نظریه روانشناسی جدید حقوقی در حال شکل‌گیری است. کارکرد اصلی تئوری موازنه، معرفی عناصر تراضی و کشف جوهر عقد است.<sup>۱</sup>

اگرچه شرح و توصیف این نظریه به مثابه بحر در کوزه است اما، خلاصه این نظریه به زبان استاد چنین است: «اصول موازنه در تراضی عاقدین در عقدی چون بیع از قرار زیر است: الف- موازنه تملیک به تملیک (= تملیک مبیع به ثمن)؛ ب- موازنه در ارزش عوضین؛ ج- موازنه تسلیم به تسلیم...»<sup>۲</sup>. یکی از نتایج اجرای اصل موازنه در تسلیم، عدم نفوذ تصرفات من‌علیه‌الخيار در مورد معامله است. همه فقها گفته‌اند: تصرفات مذکور نافذ است. زیرا، مشتری به اقتضای مالکیت خود عمل کرده است. حال آنکه واقعیت این است که مالکیت مشتری بر مبیع همراه با حق خيار بایع بوده است و به همین سبب، مالکیت او از ابتدا متزلزل است و هر لحظه احتمال اعاده مالکیت به بایع وجود دارد و تصرفات مشتری نباید سد راه این حق بایع شود. به علاوه، آنان که این حقایق را قبول ندارند، به این پرسش تاکنون پاسخ نداده‌اند که بر چه مبنایی می‌توان پذیرفت که مشتری مبیع را به رهن یا اجاره دهد و پس از فسخ بیع، آن را به همین وضعیت به فروشنده برگرداند؟ آیا چنین وضعیتی حق بایع را محدود و ضایع نمی‌کند؟ چگونه می‌توان از عدالت معاوضی در این موارد سخن گفت؟

افزون بر این، استاد جعفری لنگرودی بر پایه تئوری موازنه به این نتیجه رسیده‌اند که خيار تدلیس واقعیت ندارد. به همین جهت، نویسندگان قانون مدنی، به تبع فقیهان امامیه، آن را جزو خيارات نیاورده‌اند. و در نوشته‌های فقهی از حق اختصاص بایع در این باره سخن رفته است. استاد جعفری لنگرودی در تبیین و توجیه این حق معتقدند: با صدور حکم حجر (=تفلیس) مشتری، دست او برای تسلیم ثمن بسته می‌شود و حالتی نظیر انحلال عقد در صورت تلف مبیع قبل از قبض پیش می‌آید و با انحلال بیع، عقدی باقی نمی‌ماند که معروض حق خيار شود. به دیگر سخن، تفلیس مشتری موجب به هم خوردن موازنه در تسلیم شده و با انتفای این موازنه اصل تراضی لطمه دیده و عقد منحل می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. همو، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۸۸-۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۹۰ و بعد.

۴. همان، ص ۱۸۸-۱۸۷؛ تئوری موازنه، ش ۷/۷ تا ۸۳.

نتایج و آثار ناشی از اصول موازنه در تسلیم و ارزش عوضین تا حدودی برای ما آشنا است. اما، با تکیه بر اصل موازنه در تملیک نیز به قواعد و احکام مهمی در عقود معوض می‌توان دست یافت. به نظر می‌رسد، برخی احکام و مقررات اجاره را جز به یاری این اصل نمی‌توان فهمید. به موجب ماده ۴۸۳ قانون مدنی: «اگر در مدت اجاره عین مستأجره به واسطه حادثه کلاً یا بعضاً تلف شود، [ عقد اجاره ] از زمان تلف نسبت به مقدار تلف شده، منسوخ می‌شود...»<sup>۱</sup>. این قاعده که از فقه امامیه اقتباس شده با ماهیت اجاره پیوند دارد. لیکن توجیه آن آسان نیست. زیرا، عقد اجاره در حقوق ما عقد تملیکی است. حال آنکه منافع عین در زمان عقد وجود خارجی ندارد تا به تملیک مستأجر درآید. گویا همین دشواری سبب شده است تا بیش‌تر نویسندگان، مقررات یادشده را با ضمان معاوضی و یا موازنه در تسلیم قیاس و توجیه کنند. در حالی که برخی فقیهان هوشمند، چنین احکامی را با موضوع تملیک مرتبط دانسته‌اند تا تسلیم. از این رو، از سید محمد کاظم طباطبایی نقل شده است: تلف عین در زمان اجاره کاشف از این است که منفعت نسبت به بقیه مدت از آغاز وجود نداشته است<sup>۲</sup>.

این اندیشه با نظریه موازنه در تملیک منطبق است (=موازنه تملیک منافع عین مستأجره و اجرت‌المسمی) و مطابق آن، علت بطلان عقد اجاره، این است که به سبب فقدان منافع عین مستأجره، گرفتن عوض و اجاره‌بها ناروا و حرام است. به عبارت دیگر، تملیک اجاره‌بها در برابر تملیک منافع عین مستأجره قرار دارد و با انتفای یکی از این دو، وجود دیگری نیز بی‌جهت و اکل مال به باطل محسوب است.

### ۳- موضوعات مردد بین عقد و ایقاع

چنان که می‌دانیم، اختلاف‌ها درباره این که جعاله عقد است یا ایقاع، هنوز پایان نگرفته و نیز درباره ماهیت وصیت تملیکی اتفاق نظر بین فقیهان حاصل نشده است. همین تردید و ابهام وارد قانون مدنی شده و اندیشه‌های حقوقی را به چالش کشیده است. اگرچه استاد جعفری لنگرودی، ایقاع بودن جعاله را تأیید کرده‌اند<sup>۳</sup>، اما طرح عنوان «موضوعات مردد بین عقد و ایقاع از سوی ایشان<sup>۴</sup>، می‌تواند الهام بخش اندیشه‌های نو در این باره باشد که ممکن است برزخی بین دو ماهیت عقد و ایقاع وجود داشته باشد و یا

۱. ماده ۴۹۶ با عبارت دیگری مضمون ماده فوق‌الذکر را تأیید و تکرار کرده است: «عقد اجاره به‌واسطه تلف شدن عین مستأجره از تاریخ تلف باطل می‌شود».

۲. عروه‌الوثقی، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۱۵، نقل از: ناصر کاتوزیان، دوره عقود معین، ج ۱، ص ۳۹۶.

۳. علم موضوع‌شناسی؛ فقه‌الموضوعات، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۷ ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۱۱۳.



ماهیتی مختلط از این دو قابل تصور باشد. بدین بیان، که یک عمل حقوقی بتواند، در پاره‌ای موارد از احکام ایقاع و در موارد دیگر از آثار عقد تبعیت کند. نویسندگان قانون مدنی در باب وصیت تملیکی به همین راه رفته‌اند و در عین حال که قبول را شرط تملیک موصی به می‌دانند، برخلاف دیگر قراردادهای، اثر وصیت را زمان قبول مترتب ندانسته‌اند.

#### ۴- عدم تبعیت از اندیشه سنتی «تخصیص - بیان»

مطابق نظر رایج در اصول فقه، عمده تفاوت نسخ و تخصیص در این است که با وقوع نسخ، حکم ثابت شرعی برداشته می‌شود. در حالی که تخصیص چنین اثری ندارد: صدور حکم خاص و استثنای دلیل بر آن است که از ابتدا شمول حکم عام بر موضوعات استثنا شده مراد شارع نبوده است و در نظر او فقط آنچه از تخصیص بیرون مانده محل حقیقی حکم عام بوده است. بدین سان تخصیص نیز نوعی تبیین است و با وقوع آن معلوم می‌شود که موضوع خاص از ابتدا مشمول حکم عام نبوده است.<sup>۱</sup>

با وجود این، پذیرش نظریه «تخصیص - بیان» در موردی که حکم خاص با فاصله زمانی و پس از اجرای حکم عام وضع می‌شود، دشوار است. بیان دانستن چنان حکمی مستلزم این است که قاعده عقلی «قیح تأخیر بیان» را نادیده گرفته باشیم یا چنان عمل خلاف حکمت رابه شارع نسبت دهیم. به علاوه، پذیرش این نظریه در حقوق موضوعه سبب نقض اصل «عطف‌بماسبق نشدن قوانین» است. گویا با توجه به چنین اصولی است که استاد جعفری لنگرودی، برخلاف دیگر استادان حقوق<sup>۲</sup> در فرضی که حکم خاص مدت‌ها پس قانون عام وضع شود، از نسخ حکم سابق سخن گفته‌اند و جانب تخصیص را نپذیرفته‌اند. چنان که استاد جعفری لنگرودی آورده‌اند: عدم اجتماع دو قانون بعضاً یعنی در قسمتی از قلمرو قانون اول... را در اصطلاحات حقوقی ما «تخصیص منفصل» نامیده‌اند. پس «مخصص منفصل» ناسخ قسمتی از قانون سابق است...<sup>۳</sup>.

#### ۵. تفکیک دقیق مفاهیم تعارض و تراحم قوانین

در نوشته‌های فقهی مشهور است که مفهوم تعارض احکام و قوانین مربوط به مقام انشاء و تصویب قانون است و در مقابل، تراحم قوانین موضوعی مرتبط با مقام اجرای قانون است و دو قانون متراحم، تنها

۱. ک: اقبال علی میرزائی، تخصیص قانون، ۱۳۸۹ صص ۱۹۷-۱۷۸.

۲. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۲، ۱۳۹۰ صص ۳۶۹-۳۶۸.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، ۱۳۵۵، ص ۱۳.

در موضع اجرا با یکدیگر تداخل می‌کنند ولی میان مدلول آنها تکاذب و تناقضی نیست. این مقایسه، در عالم نظریه پردازی و تئوری‌سازی کاملاً رسا و مطلوب است و دو مفهوم را از یکدیگر جدا می‌کند با وجود این، در عمل معیار دقیقی برای شناخت دو حکم متعارض و متزاحم از یکدیگر ارائه نمی‌کند.

گویا به همین علت است که در اندیشه‌های حقوقی دو اصطلاح مزبور گاهی نابه‌جا به کار گرفته شده و از موضع حقیقی خود دور شده است. چنان که در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی اصطلاح تعارض قوانین رایج شده است. لیکن، همان گونه که استاد جعفری لنگرودی عنوان فرموده‌اند: «تعارض در قوانین بین‌الملل خصوصی وادی دیگری است و آن از باب تزاحم است نه تعارض»<sup>۱</sup>.

در تأیید این نظر می‌توان گفت: چنان که اشاره شد، تعارض میان دو حکم در مقام تشریح و قانون‌گذاری اتفاق می‌افتد و علت آن، احتمال وقوع خطا و اشتباهی است که سبب تناقض گویی قانون‌گذار محسوب است. شارع و قانون‌گذار نمی‌تواند در یک موضوع هم به وجوب حکم دهد هم به حرمت<sup>۲</sup>؛ در صورت عدم امکان جمع میان دو قانون معارض چاره‌ای جز این نمی‌ماند که گفته شود: قانون‌گذار با انشای حکم متأخر تصمیم سابق خود را تغییر داده و قانون سابق نسخ ضمنی شده است. به ویژه که انتساب تناقض گویی به قانون‌گذار حکیم نارواست. پس بهترین توجیه عقلی این است که از آخرین اراده قانون‌گذار تبعیت شود و در این مقام استدلال شود: مقنن از اراده پیشین خود برگشته است<sup>۳</sup>.

لیکن، همان گونه که گذشت، میان دو حکم متزاحم، در مقام انشاء، تعارض و تناقضی نیست و فقط در مقام عمل، اجرای همزمان و توأمان آنها ممکن نیست. به گونه‌ای که اجرای یکی از آنها مزاحم و مانع اجرای حکم دیگر است. بر این مبنا، دو حکم متزاحم، ضد و نقیض یکدیگر نیستند و همدیگر را تکذیب نمی‌کنند؛ مقررات هر دو حکم مزاحم، به‌جا و صحیح است زیرا، هیچ یک از آن دو حکم به ناروا و مبتنی بر اشتباه نبوده است. در نتیجه، نمی‌توان با استناد به اراده قانون‌گذاری آن را کنار گذاشت و از تغییر اراده پیشین قانون‌گذار دفاع کرد. پس باید بر مبنایی دیگر یکی از دو حکم مزاحم را بر دیگری ترجیح داد. مطابق با همین اندیشه است که قواعد تعادل و تراجیح در فقه اسلامی، به وجود آمده و از این باب سخن از نسخ یا تخصیص حکم نمی‌رود.

همچنان که استاد جعفری لنگرودی، با دقت و اشراف بر مبانی علم حقوق و فقه، اصطلاح «تزاحم قوانین» را در حوزه بین‌الملل خصوصی گویاتر یافته‌اند. بی‌گمان، در صورت اختلاف و مغایرت میان قوانین

۱. روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸.

۲. ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی؛ اصول فقه، ۱۳۹۰، ص ۳۵۲.

۳. ناصرکاتوزیان، فلسفه حقوق، ۱۳۹۳ ج ۲، ص ۳۴۹.

کشورهای مختلف، از آنجا که اجرای دو قانون در نظام واحد ممکن نیست، به ناچار باید یکی را بر دیگری ترجیح داد. لیکن، نمی‌توان گفت قانون‌گذار کشور دیگر، با وضع قانون متأخر، از حکم قانونی مرجوح، بازگشته و آن را تغییر داده است. درست به همین دلیل است که قواعد رفع تعارض قوانین داخلی از جمله نسخ ضمنی و تخصیص قانون در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی کارآیی ندارد و استفاده از آنها نیز در عمل رایج نیست.

## ۶. احیای موضوع‌شناسی در علم حقوق

دانش حقوق در صدد تعیین، تفسیر و اجرای احکام و قواعدی برای رفتارهای تابعان خویش است. بنابراین، موضوع مطالعه در این علم دو چیز بیشتر نیست: حکم و موضوع (=متعلق حکم). بنا به عادت مرسوم آنچه که معمولاً مورد توجه حقوق‌دانان قرار می‌گیرد، احکام و قواعد حقوقی است و موضوع حکم طفیلی آن محسوب می‌شود. لیکن واقعیت این است که حکم هر قضیه فرع بر موضوع آن است و عقلاً اگر موضوعی نباشد، حکم قانونی آن سالبه به انتفای موضوع است.

به دیگر سخن، موضوعات به لحاظ عقلی و منطقی مقدم بر احکامند و احکام بر موضوعات مترتب می‌شوند. با ثبوت این واقعیت که هر حکم فرع بر موضوع خود است، بحث از حکم و بدون تشخیص موضوع بحثی کامل نیست. با توجه به همین حقیقت است که شناخت مفهوم عقود، تعهدات و ایقاعات، به عنوان موضوعات اصلی حقوق مدنی، کانون توجه قانون‌گذاران قرار دارد و محور بحث حقوق‌دانان است. با وجود این به اهمیت موضوعات و مفاهیم حقوقی کمتر توجه شده و به اجمال برگزار شده است. بی‌گمان، نهادهای عقود و ایقاعات که موضوع احکام و قواعد حقوقی واقع می‌شوند، ساخته و پرداخته عرف هستند که در اندیشه‌های حقوقی پرورده می‌شوند. نقش عرف ایجاد مواد خام اولیه و کار حقوق‌دان، پرورش دادن و شناساندن این محصولات عرفی است. قانون‌گذار نیز به نهادهای عرفی و اندیشه‌های حقوقی رسمیت اعطا می‌کند. برخی نویسندگان از این حقیقت چنین یاد کرده‌اند: «عقود و معاملات از مخترعات مقنن نیست؛ بلکه عرف و عادت آنها را بر حسب احتیاجاتشان در امور معاش و نظام اجتماع معمول و دایر کرده است. نهایت آن که در قوانین موضوعه از بین آنچه متداول بوده قسمتی را تقریر و بعضی را منع و پاره‌ای را تقیید و برخی را به اطلاق و اگزارده‌اند. پس در این صورت معیار در ضبط متعلقات و موارد عقود آن چیزی است که طریقه عرف بر آن جاری است»<sup>۱</sup>.

۱. محمد بروجدی عبده، حقوق مدنی، ص ۱۰۸. نقل از: اقبال‌علی میرزائی، اصول و فنون تغییر قوانین، ۱۳۹۳ ص ۷۸.

بنابراین، اهمیت موضوع‌شناسی در علم حقوق اگر بیشتر از شناخت و تفسیر قوانین نباشد کمتر هم نیست. با وجود این، بحث موضوع‌شناسی در علم حقوق مغفول مانده است و چندان مورد استقبال حقوق‌دانان قرار نگرفته است. لیکن، استاد جعفری لنگرودی در این مسیر نیز پیشگام بوده است و با احیای سنت بومی و رایج در حقوق اسلامی، در تازه‌ترین اثر خویش، علم موضوع‌شناسی (فقه‌الموضوعات در برابر فقه‌الاحکام) را برای نسل حاضر حقوق‌دانان، تبیین و معرفی کرده‌اند. پیش از آن نیز با انتشار دورهٔ دو جلدی «فرهنگ عناصرشناسی در حقوق مدنی و جزا» ارشاد اذهان به این مهم صورت گرفت و اندیشه‌های حقوقی به این سمت سوق داده شد و به دنبال آن، در سرآغاز کتاب «صد مقاله در روش تحقیق در علم حقوق»، ابداع اندیشهٔ عناصرشناسی، به عنوان روشی تازه در روش تحقیق در علم حقوق معرفی شد.

## ۷. بنیادگذاری چندین دانش حقوقی و غیر حقوقی

آن گونه که در پایان کتاب «علم موضوع‌شناسی» به عنوان حسن ختام و ختم کلام آورده شده است، استاد ارجمند بیست‌پنج علم را بنیان‌گذاری کرده است<sup>۱</sup>: عناصرشناسی در علم حقوق، ماهیت‌شناسی، روش تحقیق در علم حقوق، فن استدلال (= منطق حقوق در اسلام)، فلسفهٔ اعلی در علم حقوق، مکتب‌های حقوقی در اسلام، اصول عامهٔ اذن و اذنیات، تاریخ علم اصول و... گفتنی است، برخی از این علوم و دانش‌ها پیش‌تر و در اثنای مباحث این مقاله معرفی شده است. این نکته را نیز بیفزاییم که در بین علوم ۲۵گانهٔ فوق‌الذکر علمی هم‌چون شعر تطبیقی، هنر و هنرشناسی در شعر فارسی، فلسفهٔ فرهنگ و هنر، تاریخ معاجم و علم اشتقاق در فارسی و... نیز دیده می‌شود. از اینجا نیز تسلط استاد معظم بر علوم متعدد نمایان شده و شایستگی بالاترین عنوان علمی برای استاد محمدجعفر جعفری‌لنگرودی ثابت می‌شود.

## بخش دوم: رازگشایی از یک مسئلهٔ حقوقی در پرتوی اندیشه‌های استاد

### ۱- درآمد:

پاییز سال ۱۳۹۶ احد اعضای محترم کانون سردفتران و دفترباران تهران یکی از مسائل و مشکلات حقوقی صنف سردفتران و دفترباران محترم را برای اینجانب بازگو کرد و با توجه به سابقهٔ پژوهش اینجانب در زمینهٔ «ارجاع قانون به قانون دیگر و دشواری‌های آن»، درخواست تحقیق کردند. بنده نیز امتثال امر کردم و پژوهشی را با عنوان «بررسی اعتبار قانونی تعلیق سردفتران و دفترباران موضوع ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴» آغاز کردم.

۱. همو ۱۳۹۷، ص ۱۶۴-۱۶۲.

اینک خلاصه طرح شامل مسئله تحقیق و یافته‌های آن به شرح زیر می‌آید:

## ۲- طرح بحث و تقریر مسئله:

چندی است که در رویه قضائی ما در مقام اجرای حکم ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴ به محض صدور کیفرخواست از دادسرا و در هر موضوعی که منتسب شده باشد، سردفتر یا دفتربار متهم از شغل خود معلق می‌شود و این تعلیق در بسیاری موارد ماه‌ها و سال‌ها طول می‌کشد.

ماده ۱۳ موصوف یکی از فروع قانونی وابسته به ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ است. در ماده ۱۹ یادشده امکان تعلیق متهمان شاغل از ادامه اشتغال در بخش دولتی و خدمات عمومی در فرض صدور کیفرخواست پیش‌بینی شده بود. ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی همین حکم را در مورد سردفتران و دفترباران پذیرفت و جرایم موجب تعلیق را نیز با ارجاع به ماده ۱۹ فوق‌الذکر تعیین کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ جای قانون مجازات عمومی را گرفت و به منظور پایان دادن به بحث و اختلاف‌ها درباره اعتبار قانون مجازات عمومی، در سال ۱۳۷۷ ضمن اصلاح ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، نسخ صریح قانون مجازات عمومی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن اعلام شد. اما، ارجاعی که در ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی به ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی داده شده بود و همچنین، حکم ماده اخیرالذکر که در ماده ۱۳ فوق‌الذکر تکرار شده است، مورد بازنگری و اصلاح مستقیم از سوی قانون‌گذار واقع نشد.

این وضعیت، ابهام و تردیدهای متعددی را به وجود آورده است. عده‌ای به دستاویز اینکه ماده ۱۳ فوق‌الذکر صریحاً از مجموعه قوانین حذف نشده است، از حاکمیت و اعتبار کنونی آن دفاع می‌کنند. باوجوداین، اعتبار قانونی این ماده با تردید جدی روبه‌رو است و مشخصاً این پرسش‌ها در ارتباط با ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی قابل طرح است: -ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی با توجه به نسخ صریح قانون مجازات عمومی، به قوت خود باقی است؟ -تعلیق موضوع ماده فوق‌الذکر، در حال حاضر قطعی است یا قابلیت شکایت و اعتراض دارد؟

## ۳. عقیده استاد در موضوع

پس از جمع‌آوری مستندات پژوهش، به شواهد، قرینه‌ها و دلایل قابل توجهی دست یافتیم که عقیده به منسوخ بودن ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی را تأیید می‌کرد. نیز، به یاری استدلال‌های حقوقی تقریباً قانع شده بودم که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی بر پایه فقه امامیه، مفهومی با عنوان «تعلیق اشتغال متهمان» را در طول دادرسی و پیش از ثبوت اتهام، قبول ندارد

ولی مبنای این اندیشه و موازین فقهی آن، برایم روشن نبود و نمی‌دانستم موضع اجماعی یا مشهور فقه اسلامی و به‌ویژه فقهای امامیه در این باره چیست. تا اینکه در یک مقاله علمی<sup>۱</sup> عقیده استاد جعفری لنگرودی نظرم را جلب کرد و با مراجعه به کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، با آن آشنا شدم و آنچه را که در دل باور داشتیم، در کلام استاد یافتیم.

عین کلام استاد در این باره چنین است. «در اسلام تعلیق را نمی‌شناسند. زیرا تصدی مستخدم دولت تا فسق او ثابت نشده است باید به حال خود باقی بماند. پس از ثبوت فسق منزل می‌شود»<sup>۲</sup>. بی‌گمان، درک چنین حقیقتی و اعلام آن به این صراحت و قاطعیت، نیازمند آشنایی کامل با عقاید و آرای علمای مذاهب اسلامی است. بدیهی است، این مهم از کمتر کسی برمی‌آید. به‌راستی که اشراف به قواعد فقه جزئی از استادی که همگان او را متخصص در حوزه حقوق خصوصی و حقوق مدنی می‌شناسند، گذشته از اینکه او را شایسته عنوان (فیلسوف حقوق) می‌سازد، لقب علمی (اسلام‌شناس) را نیز لایق وصف چنین شخصیتی می‌کند و مقام شامخ علمی او را بیشتر می‌نمایاند. کسی که بر عقاید و آرای اندیشمندان علوم دینی و فقه اسلامی احاطه و سلطه یافته است، از درجه اجتهاد گذشته و در ردیف دارندگان مرتبه عالی علم در فرهنگ بومی ما قرار گرفته است. اکنون شایسته است بدون اغراق و مبالغه بگوییم: سرزمین پارس استاد جعفری لنگرودی دیگری پرورده است.

#### ۴. پرورش فرضیه تحقیق و نتیجه‌گیری

تأمل در قانون مجازات اسلامی این حقیقت را تأیید می‌کند که با ایجاد نظام جدید مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری ما، نظام سابق به علت تعارض با مقررات جدید، نسخ ضمنی شده و برچیده شده است. بر این مبنای ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی که جزئی از نظام قبلی بوده به همراه کلیت نظام مذکور منسوخ شده و امروزه اعتباری ندارد. لیکن این ایراد هنوز بر سر راه وجود دارد که ممکن است گفته شود، در قانون مجازات اسلامی حکمی راجع به ممنوعیت معلق کردن متهم از ادامه اشتغال دیده نمی‌شود و این سکوت قانون‌گذار به منزله پذیرش امکان تعلیق و عدم مخالفت با آن است. به دیگر سخن، در سکوت بیانی نیست تا با بیان متقدم معارضه کند و ناسخ آن باشد. بنابراین، حکم ماده ۱۳ یاد شده تاکنون بلامعارض و معتبر باقی مانده است.

۱. محمد عظیمیان، ضرورت رسیدگی به موضوع تعلیق در دادگاه‌های انتظامی سردفتران و دفترباران پس از صدور کیفرخواست در مراجع قضائی (موضوع ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی...)، ماهنامه کانون سردفتران و دفترباران، ۱۳۹۳، شماره ۱۴۶-۱۴۵، صص ۲۸-۱۷.

۲. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۹۲.

در مقام رفع این ایراد نیز، با الهام از آنچه در ترمینولوژی حقوقی به آن دست یافته بودم، فهمیدم که سکوت قانون‌گذار ما نسبت به تعلیق اشتغال متهمان بی‌علت و دلیل نیست. بلکه این سکوت به همراه قرائن حالی به منزله مخالفت با ترتیب قانونی سابق است. چنان که گذشت، مضمون کلام استاد بیانگر این واقعیت است که تعلیق اشتغال افراد پیش از ثبوت اتهام و قبل از صدور حکم قضائی، نزد فقیهان اسلامی وجاهت شرعی ندارد. قانون‌گذار جمهوری اسلامی نیز به تبعیت از اندیشه‌ها و موازین فقهی به همین راه رفته است و علی‌رغم تغییرات مکرری که در قانون مجازات اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون صورت گرفته، قاعده تعلیق اشتغال متهم وارد این قانون نشده است.

با این مبنا، در جهت دفاع از حقوق قانونی سردفتران و دفترباران ارجمند تلاش و از عقیده به نسخ ضمنی ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی دفاع و در تأیید آن از نظریه نسخ تبعی ماده مزبور بر اثر نسخ صریح قانون مجازات عمومی یاری گرفته شده است. قرینه‌های دیگری نیز در این باره وجود دارد که فهم و استنباط یادشده از کلام استاد را تأیید می‌کند و راهنمای هر محقق واقع‌بین برای دستیابی به اراده واقعی قانون‌گذار است. چنان که اشاره شد، حکم تعلیق متهمان شاغل، در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد و به همین جهت، اجرای چنان حکمی درباره سردفتران و دفترباران نمی‌تواند دلیل موجهی داشته باشد و در نتیجه تبعیض ناروا محسوب می‌شود و باید از آن دست شست. شغل سردفتری یا دفترباری در مقایسه با مشاغل بخش دولتی و یا شغل‌های مربوط به خدمات عمومی چه خصوصی‌یتی دارد تا به سبب آن حکمی متفاوت با آنها داشته باشد؟

افزون براین، با عقیده به بقای اعتبار حکم ماده ۱۳ در حقوق کنونی ما، این تردید و پرسش مهم به میان می‌آید که در حال حاضر، شکایت از امر تعلیق سردفتران و دفترباران ممکن است؟ یا اینکه چنین نیست و تعلیق آنان قطعی و غیرقابل اعتراض است؟ در نظم حقوقی کنونی، برای این پرسش نمی‌توان پاسخ درستی یافت. از سویی، چنانچه قائل به وجود حق شکایت و اعتراض برای سردفتران باشیم، بی‌گمان به قانونی عمل کرده‌ایم که صریحاً نسخ شده است. چنان که می‌دانیم، کلیه مقررات قانون مجازات عمومی به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۷۷ نسخ شده است. ماده ۱۳ قانون سردفتران در این باره حکمی ندارد و به تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی نیز ارجاع نداده است تا گفته شود، حکم تبصره مزبور جزو مقررات این قانون شده است. از سوی دیگر، اگر حق تجدیدنظرخواهی برای سردفتر معلق شده نباشد، این امر گذشته از اینکه موجب اجحاف در حق سردفتران می‌شود، به اجرای قانون به طور ناقص نیز می‌انجامد و به همین جهت، نقض غرض قانون‌گذار از تصویب مقررات مربوط به تعلیق سردفتران محقق می‌شود.

به دیگر سخن، در حال حاضر، حق شکایت سردفتر متهم از تعلیق خود، به عنوان لازمه عقلی و منطقی حکم ماده ۱۳ قانون سردفتران، به دلیل نسخ صریح تبصره ۳ فوق‌الاشاره وجود ندارد؛ اجرای ناقص حکم آن ماده نیز به جهت مخالفت با اراده قانون‌گذار ناممکن است. از این‌جا، این عقیده قوت می‌گیرد که نویسندگان ماده ۱۳ یادشده، با ارجاع و اشاره به ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی می‌خواسته‌اند تا زمانی که مقررات قانونی اخیرالذکر معتبر و لازم‌الاجرا است، در مورد سردفتران نیز رعایت شود و به همین دلیل، تمام مقررات راجع به تعلیق متهم از جمله حق شکایت از تعلیق را در قانون دفاتر اسناد رسمی تکرار نکرده‌اند. اکنون که مقررات قانون اصلی و مورد ارجاع نسخ شده، زمینه و امکان اجرای قانون فرعی و ارجاع دهنده نیز از بین رفته است. در نتیجه، عقیده به نسخ ماده ۱۳ یادشده موافق با قاعده‌ای است که به موجب آن: جایی که اجرای حکمی به سبب حذف مرجع صالح برای رسیدگی و تمیز حق یا به سبب دیگر ممکن نباشد، ناچار باید نسخ ضمنی قانون مزبور را پذیرفت.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری:

مهم‌ترین هدف از معرفی کوتاه آثار و اندیشه‌های بدیع استاد، توجه دادن دانش‌پژوهان امروز به این نکته است که برای الهام گرفتن از عقاید علمی استاد جعفری لنگرودی و با عمل به عبارت معروف (از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن...)، چراغ راه آینده را به دست گیرند و این راه را با ابداع نظریه‌های جدید کامل کنند و از تکمیل و تولید علم باز نمانند. به ویژه که تحقق این معنی بارها مورد خواست و آرزوی استاد ارجمند قرار بوده است.

باری، با اعلام خرسندی از این فرصتی که دست داد، خالصانه‌ترین درودها را به محضر حکیم دانشور و اسلام شناس برجسته جناب استاد جعفری لنگرودی تقدیم می‌کنم و از درگاه ایزد منان سلامتی و بهروزی ایشان را آرزومندم.



## منابع و مأخذ:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، دایره‌المعارف حقوق؛ دانشنامه حقوقی، جلد دوم، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۷)، علم موضوع‌شناسی (فقه‌الموضوعات)، گنج دانش، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۲)، مقدمه عمومی علم حقوق، گنج دانش، تهران.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، اندیشه و ارتقاء، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، مبسوط در ترمینولوژی، جلد دوم، چاپ پنجم، گنج دانش، تهران.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۵)، حقوق اموال، گنج دانش، تهران.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، فلسفه‌العلی در علم حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل؛ تئوری موازنه، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴)، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، گنج دانش.
۱۲. داریوش مرادی (۱۳۹۸)، مفهوم اصل احتیاط، و جایگاه آن در مسئولیت مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.
۱۳. شیخ‌الاسلام، سید محمد، راهنمای مذهب شافعی، جلد اول، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۱۴. عظیمیان، محمد (۱۳۹۳)، ضرورت رسیدگی به موضوع تعلیق در دادگاه‌های انتظامی سردفتران و دفتریاران پس از صدور کیفرخواست در مراجع قضائی (موضوع ماده ۱۳ قانون دفاتر اسناد رسمی...)، ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۱۴۶-۱۴۵.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، فلسفه حقوق، جلد دوم، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۶. محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، مبانی استنباط حقوق اسلامی؛ اصول فقه، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. میرزائی، اقبال‌علی (۱۳۹۳)، اصول و فنون تغییر قوانین، انتشارات دادو دانش، تهران.
۱۸. میرزائی، اقبال‌علی (۱۳۹۳)، ارجاع قانون به قانون دیگر و دشواری‌های ناشی از آن، مجله دیدگاه‌های حقوق قضائی، سال نوزدهم، شماره ۶۵، بهار.
۱۹. میرزائی، اقبال‌علی (۱۳۸۹)، تخصیص قانون، فصلنامه حقوق؛ مجله دانشکده حقوق و علوم ساسی دانشگاه تهران، شماره ۲، دوره ۴۰.